

یادداشت مطالعه این مقاله برای هر خواننده حتمی و ضروری پنداشته میشود. مل

نویسنده : سیده کاران «Ceyda Karan» .
منبع و تاریخ نشر : کریدل «2025-04-11» .
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

معمار میهن آبی هشدار داد: ناتو شکست خورده است و اتحادیه اروپا می خواهد ترکیه به زانو در بیاید

‘Blue Homeland’ architect warns: NATO has failed, and the EU wants Turkiye on its knees

جم گوردنیز، استراتژیست پشت دکترین میهن آبی ترکیه ، هشدار می دهد که ناتو در حال فروپاشی است و اتحادیه اروپا به دنبال سوء استفاده از موقعیت استراتژیک ترکیه است، زیرا ترکیه با افول داخلی و بی ربط نظامی مواجه است. او خواستار آینده ای مستقل و همسو با اوراسیا - بر اساس شرایط ترکیه است.

Cem Gurdeniz, the strategist behind Turkiye’s Blue Homeland doctrine, warns that NATO is collapsing and the EU is seeking to exploit Turkiye’s strategic position as it faces internal decline and military irrelevance. He calls for a sovereign, Eurasian-aligned future – on Turkiye’s terms



Photo Credit: The Cradle

در دهه دوم قرن بیست و یکم، تغییرات ژئوپلیتیکی لرزه‌ای، قدرت‌های جهانی را وادار به ارزیابی مجدد اهمیت موقعیت ترکیه در اوراسیا کرد. این تمرکز رو به رشد - از واشنگتن تا مسکو، بروکسل تا پکن - تنها زمانی تشدید شده است که بلوک غرب از یک رشته شکست‌های استراتژیک، به ویژه در اوکراین، خارج می‌شود.

برای بیش از دو دهه، جهت‌گیری ژئوپلیتیکی دولت **رجب طیب اردوغان**، رئیس‌جمهور ترکیه موضوع بحث‌های داغ، هم در داخل و هم در خارج از کشور باقی مانده است. و امروز این بحث شدت گرفته است.

جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه فوریت جدی پیدا کرده است. با بازگشت **ترامپ** به کاخ سفید، شکسته شدن سابقه نظامی ناتو، و تلاش اتحادیه اروپا برای اثبات خود در میان زوال داخلی، انتخابات‌های استراتژیک ترکیه اکنون بسیار فراتر از مرزهایش اهمیت دارد.

سیگنال‌های اخیر بروکسل حاکی از تلاش مجدد برای احیای مسیر اتحادیه اروپا برای ترکیه پس از دهه‌ها تأخیر، مخالفت و دستکاری سیاسی است. این اقدامات در زمانی صورت می‌گیرد که ترکیه، دومین ارتش بزرگ ناتو، توسط پایتخت‌های غربی نه به عنوان یک شریک، بلکه به عنوان منطقه حائل در برابر قدرت‌های اوراسیا و بی‌ثباتی منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است.

دریاسالار بازنشسته **جم گوردنیز** - معمار دکترین دریایی "میهن‌آبی" و یکی از برجسته‌ترین ذهن‌های ژئوپلیتیک ترکیه - عمیقاً بدبین است.

گوردنیز که به خاطر دیدگاه حاکمیت‌گرایانه، موضع کمالیستی و مخالفت شدید با نفوذ نواستعماری غرب شناخته می‌شود، مدت‌هاست که نسبت به گره زدن آینده ترکیه به غرب رو به زوال هشدار داده است.

تجربیات او، از جمله «3.5» سال حبس به اتهامات ساختگی در پرونده بدنام "پتک" به رهبری شبکه گولنیست (FETO)، دیدگاه او را مبنی بر اینکه ترکیه باید مسیر مستقل و همسو با اوراسیا را ترسیم کند، بیشتر تثبیت کرده است.

گوردنیز در این گفت‌وگوی گسترده با **کریدل**، چیش مجدد قدرت جهانی، شکست‌های سیاست نئومحافظه‌کاران در غرب آسیا، فروپاشی اقتصادی سیستم تحت رهبری ایالات متحده و خطرات درهم تنیدگی ترکیه در ساختارهای فرآتلانتیکی را بررسی می‌کند که دیگر در خدمت منافع ملی این کشور نیستند.

(این مصاحبه برای طولانی بودن و وضوح ویرایش شده است)

کریدل: با بازگشت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده و جنگ اوکراین که ضعف‌های ناتو را آشکار می‌کند، چگونه باید گسست نظم جهانی تحت رهبری غرب را درک کنیم؟

گوردنیز: ما شاهد دومین فروپاشی بزرگ نظم امنیتی جهانی از زمان جنگ جهانی دوم هستیم. اولین مورد پس از سال (1990) رخ داد، زمانی که اتحاد جماهیر شوروی به طور داوطلبانه منحل شد و واشنگتن به سرعت نفوذ خود را در سراسر اروپای شرقی گسترش داد. اما امروز، 80 سال پس از پایان آن جنگ، ایالات متحده عقب نشینی خود را آغاز می‌کند - مرکز ثقل استراتژیک خود را از اروپا به آسیا و اقیانوسیه منتقل می‌کند.

دولت **ترامپ** این را به رسمیت می‌شناسد. استراتژی آن دیگر در مورد کنترل جهانی نیست، بلکه در مورد کاهش و آمادگی برای رقابت قدرت‌های بزرگ در اقیانوس آرام، به ویژه با چین است. این یک تعدیل تاکتیکی نیست - یک فروپاشی سیستمیک است. شکست **ناتو** در اوکراین فقط یک شکست در میدان جنگ نبود، بلکه پایان یک توهم بود. **کریدل:** چه چیزی اجماع تحت رهبری نومحافظه کاران پس از جنگ سرد را شکست می‌دهد؟ **گوردنیز:** نظم پس از 1990 بر روی توهم تک قطبی ساخته شد. ایالات متحده دموکراسی لیبرال سرمایه داری را به عنوان مدل جهانی اعلام کرد. در این سیستم، امور مالی تحت کنترل غرب، چین وظیفه تولید را بر عهده داشت و انتظار می‌رفت که کشورهای غنی از منابع انرژی و مواد خام را تامین کنند.

اما این مدل با تضادهای مهلکی مواجه شد. قدرت نظامی آمریکا در عراق، لیبی و افغانستان شکست خورد. به جای ثبات، ویرانی به ارمغان آورد. روسیه پس از سال 2008 مجدداً خود را از لحاظ نظامی تثبیت کرد. چین از نظر اقتصادی و فناوری رشد کرد و هژمونی غرب را به چالش کشید. و با هم موازنه اوراسیا را ساختند. مهم‌تر از همه، جنوب جهانی نما را دید. نسل‌کشی اسرائیل در غزه که آشکارا توسط واشنگتن حمایت شد، مشروعیت باقی مانده را از بین برد. سیستم غربی اکنون در معرض خطر قرار گرفته است - از نظر اقتصادی بیش از حد تحت فشار قرار گرفته، از نظر دیپلماتیک منزوی شده و از نظر نظامی آسیب پذیر است.

کریدل: موضع دولت ترامپ در قبال این فروپاشی را چگونه تفسیر می‌کنید؟

گوردنیز: ترامپ معمار این فروپاشی نیست - او محصول آن است. او و تیمش درک می‌کنند که مدل پس از سال 1945 دیگر به ایالات متحده خدمت نمی‌کند. پایه تولید توخالی شده است. بدهی به 34 تریلیون دلار رسیده است.

دلار در تجارت جهانی در حال دور زدن است. قدرت آمریکا در حال انقباض است. آنچه ترامپ ارائه می‌دهد عقب نشینی است که به عنوان قدرت پوشیده شده است. او می‌خواهد به درگیری‌های آمریکا پایان دهد و بر احیای صنعت داخلی تمرکز کند. او می‌داند

که ناتو یک بار است، نه یک دارایی. چالش او ایدئولوژیک نیست - وجودی است. او می خواهد امپراتوری آمریکا را با کاهش آن به اندازه ای پایدار زنده نگه دارد.

کریدل: سرنوشت نا تو در این معادله چیست؟

گوردنیز: نا تو اکنون یک اتحاد زامبی است. این بیشتر به عنوان یک افسانه وجود دارد تا یک بلوک نظامی کاربردی. گسترش آن بی پروا بوده است. عملیات آن - از بالکان گرفته تا لیبی تا اوکراین-کل مناطق را بی ثبات کرده است و اعتبار آن در حال سقوط است.

در همین حال، اتحادیه اروپا به دنبال اصلاحات نظامی (800 میلیارد یورویی (تقریباً 864 میلیارد دلار) تحت نام «اروپا مجدداً مسلح» است. اما این نیاز به ریاضت گسترده در خانه دارد. دولت های اروپایی جمعیت خود را برای جنگ آماده می کنند نه صلح. آنها برای توجیه هزینه ها به دشمنان نیاز دارند.

اما بدون رهبری ایالات متحده، نا تو نمی تواند به عنوان یک ساختار منسجم دوام بیاورد. آمریکای ترامپ نه برای استونی می جنگد و نه به مولداوی نیرو می فرستد. اروپا باید از خود دفاع کند - و آماده نیست.

کریدل: آیا جهان واقعاً به سمت نظم چند قطبی در حال تغییر است یا هنوز زود است؟

گوردنیز: تغییر واقعی و غیرقابل برگشت است. BRICS در حال رشد است. سازمان همکاری شانگهای در حال گسترش است. تجارت از دلار دور می شود. قدرت های منطقه ای مانند ایران، هند، برزیل و ترکیه خودشان را مطرح می کنند. این بازگشت به بلوک های جنگ سرد نیست. این یک تعادل مجدد است جها نی که در آن هیچ مرکز واحدی تسلط ندارد.

چند قطبی بودن در مورد اتوپیا نیست. درباره حاکمیت است. این به کشورها اجازه می دهد تا بر اساس منافع و نه اجبار همسو شوند. چالش در حال حاضر ایجاد نهادهایی است که منعکس کننده این واقعیت باشند - سیستم های تجاری جدید، چارچوبهای امنیتی و بانک های توسعه ای که توسط غرب کنترل نمی شوند.

کریدل: شما مدت ها از دکترین دریایی «میهن آبی» دفاع کرده اید. این چگونه با آینده ترکیه در اوراسیا مطابقت دارد؟

گوردنیز: میهن آبی یک شعار نیست - این یک ضرورت ژئوپلیتیکی ما است. ترکیه توسط آبهای مورد بحث احاطه شده است: دریای اژه، مدیترانه شرقی و دریای سیاه. اگر این فضاها را تسلیم کنیم، محصور در خشکی و بی ربط می شویم.

قدرت های غربی، به ویژه از طریق یونان و قبرس، می خواهند ما را در آناتولی به دام بیندازند. نقشه سویا، با حمایت اتحادیه اروپا، فضای دریایی ما را 90 درصد کاهش می دهد. این یک حکم اعدام ژئوپلیتیکی است.

میهن آبی از حقوق قانونی ما، حضور دریایی و منافع انرژی ما دفاع می کند. در ترکیب با کریدور میانی - که ما را به آسیای مرکزی و چین متصل می کند - ما یک محور قاره ای- دریایی را تشکیل می دهیم. این ستون فقرات استراتژی ترکیه در قرن بیست و یکم است.

کریدل: ارزیابی شما از جهت گیری اقتصادی ترکیه در این نظم نوین جهانی چیست؟

گوردنیز: ما باید این توهم را کنار بگذاریم که سرمایه گذاری مستقیم خارجی و ادغام اتحادیه اروپا ما را نجات خواهد داد. آن مدل شکست خورده است. بدهی، خصوصی سازی و وابستگی به همراه داشت. اقتصاد ما باید بر پایه تولید بنا شود نه سفته بازی.

این به معنای صنعتی سازی مجدد، حاکمیت غذا و انرژی و تجارت منطقه ای به ارزشهای محلی است. ما باید از بخش های استراتژیک در برابر مالکیت خارجی محافظت کنیم. بانک مرکزی ما باید نه تنها از دولت، بلکه از نفوذ خارجی مستقل باشد.

تنها در این صورت است که می توانیم از حاکمیت اقتصادی صحبت کنیم.

کریدل: در مورد دیپلماسی چطور؟ آیا ترکیه باید با یک بلوک خاص همسو شود یا عدم تعهد را دنبال کند؟

گوردنیز: ما باید آنچه را که من "عدم تعهد قاطعانه" می نامم را دنبال کنیم. این به معنای امتناع از ماهواره بودن کسی است. ما گزینه های خود را باز نگه می داریم. ما با روسیه، چین و جنوب جهانی همکاری می کنیم، اما در جایی که منافع ما همسو می شود، با اروپا و ایالات متحده نیز تعامل داریم.

اما خطوط قرمز وجود دارد. ما به رژیم های تحریم علیه همسایگان خود نخواهیم پیوست. ما میزبان پایگاه های خارجی که سایر کشورها را هدف قرار می دهند، نخواهیم بود. و ما به جنگ های ناکام ناتو کشیده نخواهیم شد.

دیپلماسی ما باید در خدمت جغرافیای ما باشد - متعادل، محکم و مستقل.

کریدل: اتحادیه اروپا ادعا می کند که یک پروژه "مبتنی بر ارزش" است. چگونه به این ادعا پاسخ می دهید؟

گوردنیز: ارزش های اتحادیه اروپا گزینشی هستند. وقتی صحبت از حقوق دریایی ترکیه می شود، آنها از حداکثرگرایی یونانی حمایت می کنند. وقتی صحبت از فلسطین می شود، چیزی نمی گویند. وقتی صحبت از جنایات اسرائیل می شود، آن را «دفاع از خود» می نامند.

این در مورد ارزش ها نیست - در مورد قدرت است. اتحادیه اروپا ترکیه را به عنوان یک منطقه حائل، انبار پناهندگان و منبع نیروی کار ارزان می خواهد. هرگز ما را به عنوان یکسان نمی پذیرد. و ما نباید بخواهیم به چنین باشگاهی بپیوندیم.

آبروی ما فروشی نیست

کریدل: جهان ترک چه نقشی در چشم انداز شما از آینده ترکیه ایفا می کند؟

گوردنیز: جهان ترک حوزه طبیعی همکاری ماست. از آذربایجان گرفته تا قزاقستان و ازبکستان، ما زبان، فرهنگ و منافع استراتژیک مشترک داریم. سا زمان کشورهای ترک هنوز در مراحل اولیه خود است، اما پتانسیل بسیار بالایی دارد.

ما باید در حمل و نقل، انرژی و ارتباطات دیجیتال در این زمینه سرمایه گذاری کنیم. ما باید یک تفاهم دفاعی مشترک ایجاد کنیم - بدون دخالت خارجی. و ما باید روایت های مشترکی را توسعه دهیم که انحصار تاریخ نگاری غرب را بشکنند.

این ناسیونالیسم نیست. دیپلماسی تمدنی است.

کریدل: در این زمینه، ترکیه به عنوان قدرت با دومین ارتش بزرگ نا تو دوباره مورد تاکید قرار می گیرد. مسیر آنکارا در اتحادیه اروپا در حال احیای مجدد است و می خواهد در مکانیسم های امنیتی اروپا فعال تر باشد و این مسیر را به جنوب گسترش دهد. ترکیه چه باید بکند؟

گوردنیز: ترکیه 67 سال است که بیرون دروازه های اتحادیه اروپا منتظر مانده است، با این توهم که روزی ما به عنوان بخشی از اروپا پذیرفته می شویم. حقیقت این است که ما هرگز نبودیم - و نخواهیم بود. اتحادیه اروپا هرگز از هیچ یک از منافع اصلی ژئوپلیتیک ما حمایت نکرده است.

از نقشه سویل حمایت می کرد که ما را از مدیترانه شرقی محبوس می کرد. در هر مناقشه دریایی در کنار یونان است. این کشور از به رسمیت شناختن TRNC [جمهوری ترکیه قبرس شمالی] خودداری می کند. این کشور از گروه های جدایی طلب در امتداد مرزهای ما حمایت می کند و در برابر نسل کشی اسرائیل در غزه سکوت می کند.

اکنون اتحادیه اروپا در کتاب سفید اخیر خود می گوید: "ترکیه نامزد عضویت در اتحادیه اروپا و یک شریک دیرینه در حوزه سیاست مشترک امنیتی و دفاعی است. اتحادیه اروپا به کار سازنده برای توسعه یک مشارکت سودمند متقابل در همه زمینه های مورد علاقه ادامه خواهد داد." این تناظر د بیلمایک است - طراحی شده تا ما را به دستگاه امنیتی در حال فروپاشی آنها بکشاند، در زمانی که آنها از رها شدن توسط ایالات متحده می ترسند.

سوال این است: آیا ترکیه خودمختاری استراتژیک، خون سربازان خود و عزت ملت خود را به موجودی تسلیم خواهد کرد که همیشه آن را به عنوان یک پاسگاه مفید تلقی کرده است - اما هرگز به عنوان یک برابر؟

ما نباید اروپا را از دریچه یوروفیلیا یا عقده های قدیمی دوره تنزیمات یا ذهنیت سور بنگریم. ما باید از دریچه تاریخ به آن نگاه کنیم - از حاکمیت خود، از دیدگاه آتاتورک، و از این واقعیت که اروپا در حال افول است.

راه پیش رو این نیست که توهمات را در بروکسل دنبال کنیم. بازگشت به اصول کمالیستی، ادغام با قرن نوظهور آسیایی، و تضمین سرنوشت ژئوپلیتیکی خود در اوراسیا - بر اساس شرایط ما، نه آنها.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

جیدا کاران، متولد 1970، در دانشگاه استانبول روزنامه نگاری خوانده است. او در طول زندگی حرفه ای خود در روزنامه ها و کانال های تلویزیونی معروف ترکیه کار کرده است. او یکی از روزنامه نگاران برجسته ای است که در زمینه سیاست خارجی ترکیه تمرکز کرده است. او به عنوان سردبیر اخبار خارجی و مفسر در روزنامه هایی مانند رادیکال دیلی و جمهوریت (جمهوریت) که قدیمی ترین و با نفوذترین روزنامه در ترکیه است، کار می کرد. او همچنین برای کانال های تلویزیونی مانند Kanal D، Haberturk TV، Halk TV و Tele1 کار می کرد. او 20 سال است که ستون های هفتگی در مورد مسائل جهانی می نویسد. او در حال حاضر مفسر روزنامه مستقل ترکی Birgün Daily است و به عنوان مجری و مفسر در RSFM رادیو Sputnik ترکیه (کار می کند یک برنامه خبری به نام «اکسن» (محور) دارد.



جیدا کاران

_____ با تقدیم احترامات «»

